

## ویژگی‌های منجی(عج) در کلام رضوی(ع)

در این مقاله به قلم حجت الاسلام والمسلمین جواد جعفری، از پژوهشگران و عضو هیات علمی موسسه آینده روشن، ویژگی‌های منجی(عج) در کلام رضوی(ع) مورد بررسی قرار گرفته است...



در این مقاله به قلم حجت الاسلام والمسلمین جواد جعفری، از پژوهشگران و عضو هیات علمی موسسه آینده روشن، ویژگی‌های منجی(عج) در کلام رضوی(ع) مورد بررسی قرار گرفته است.

بسم الله الرحمن الرحيم

ویژگی‌های منجی(عج) در کلام رضوی(ع)

حجت الاسلام والمسلمین جواد جعفری(1)

چکیده:

عقیده به آمدن منجی که آمدنش جهان از ظلم و فساد به عدالت و معنویت خواهد رسید، باوری همگانی و فرا دینی و قومی است. دین اسلام نیز تأکید فراوانی بر این عقیده دارد. قرآن و احادیث نبوی بسیار به آن پرداخته‌اند. امامان معصوم(ع) که جانشینان به حق پیامبر اسلام(ص) هستند انبوهی از روایات را در موضوع مهدویت بیان کرده‌اند.

امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا(ع) نیز احادیث متعددی در این باره دارد که بیان و بررسی تمام آنها از مجال یک مقاله خارج است. در این نوشتار سعی شده است روایاتی از ایشان که بیان‌گر ویژگی‌های امام عصر(عج) است مورد تحقیق قرار گیرد و در مجموع شش ویژگی بیان شده است که عنوانشان چنین است: 1. غیبت و پنهان زیستی 2. نداشتن پیمان با طاغوت 3. شایعه رحلت 4. جوانی و قدرت بدنی 5. دارای میراث پیامبران(ع) 6. نسل چهارم امام هشتم(ع).

مقدمه:

باور به منجی که قیام او سر آغاز زندگی زیبای انسانی و سرشار از معنویت و محبت است و ظهور مبارکش به حیات ستم‌گران و فاسدان پایان خواهد داد، عقیده تمام پیروان ادیان آسمانی و بسیاری از مکاتب بشری است. در دین مبین اسلام نیز کمتر موضوعی را می‌توان یافت که به اندازه مهدویت دارای اهمیت باشد. علاوه بر صدها آیه قرآن که بر این حقیقت دلالت می‌کند کمتر مسأله‌ای را می‌توان یافت که تا این مقدار روایت از طریق شیعه و سنی داشته باشد. خبر از منجی اسلام، حضرت مهدی موعود(عج) قدمتی به قدمت خود اسلام دارد اولین کسی که از وجود چنین شخصی خبر داده آورنده این دین یعنی حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص) است و صحابه فراوانی این احادیث را از ایشان شنیده‌اند.

پیامبر بزرگوار اسلام(ص) با تأکید می‌فرماید:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ(عج)(2)؛

سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا فرزندم مهدی(عج) در آن روز ظهور کند.

و در روایتی دیگر شباهت کامل امام مهدی(عج) را به خودشان چنین بیان می‌دارند.

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا(3)؛

مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، از نظر قیافه و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است. بعد از پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) نیز جانشینان بزرگوار ایشان، از این ذخیره الهی خبر داده‌اند و هر امامی به تناسب اوضاع اجتماعی خویش در مورد امام مهدی(عج) سخن گفته است.

از ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا(ع) نیز بیش از سی حدیث در موضوع مهدویت وارد شده است.(4)

امام هشتم(ع) مانند پیامبر اسلام(ص) به حتمی بودن ظهور تصریح می‌فرماید:

وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قِيمَلًا الْأَرْضَ عَدَلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا(5)؛

و پس از حسن فرزندش حجت قائم که در دوران غیبتش منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و اگر از دنیا جز يك روز باقی نمانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی فرماید تا خروج کند و زمین را از عدل سرشار سازد همچنان که از جور پر شده باشد.

و وقتی فسیده دعبل به این دو بیت می‌رسد که حتمی بودن ظهور را بیان می‌کند:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبِرَكَاتِ  
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

امام رضا(ع) به شدت اشک می‌ریزد و سپس سر خود را بلند کرده می‌فرماید:

يَا خُرَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَي لِسَانِكَ يَهْدِينِ الْبَيْتَيْنِ (6)

ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است.

امام ثامن(ع) در دو بیتی که به قصیده دعبل اضافه نموده و از محل قبر خویش خبر داده باز به امام موعود(عج) اشاره می‌فرماید:

وَ قَبْرٍ يَطُوسُ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ تَوَدَّ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرَقَاتِ  
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفْرَجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ. (7)

معلوم است که مهدویت در میان موضوعات کلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد و از این اهمیت فوق العاده، می‌توان به ضرورت بررسی این مقوله در کلام گهربار عالم آل محمد(ص) پی برد. هر چند در یک مقاله نمی‌توان تمام احادیث مهدوی رسیده از این امام همام را بیان و بررسی کرد اما سعی می‌شود، برخی از ویژگی‌های امام مهدی(عج) در این مجال بررسی شود.

امید است مورد رضایت امام به حق رؤوف واقع گردد.

ویژگی‌های امام مهدی(عج)

1. پنهان زیستی (غیبت):

چنان که در مقدمه اشاره شد موضوع مهدویت توسط پیامبر اسلام(ص) مطرح شد و از آن زمان به بعد هم هر یک از امامان به فراخور فضای حاکم بر جامعه راجع به امام مهدی(عج) سخنانی بیان می‌کردند تا ضمن آشنا کردن مردم با مهدویت راه سوء استفاده را بر فرصت طلبان و مدعیان دروغین مهدویت ببندند. برای مثال در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) به دلیل ضعف و فرسودگی سلسله بنی‌امیه و تازه کار بودن والیان حکومت بنی‌عباس، قیام‌های بسیاری انجام می‌گرفت و برخی هم برای ایجاد انگیزه کافی در پیروان خود قیام را به عنوان مهدویت انجام می‌دادند. (8)

گروهی هم از امام انتظار قیام داشتند و در روایات بارها این درخواست مطرح شده است. (9) لذا روایات متعددی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) وجود دارد که از قیام‌های قبل از قیام امام مهدی(عج) نهی کرده‌اند.

در روایتی از امام باقر(ع) چنین آمده است:

كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ رَأْيَةِ الْقَائِمِ (عج) صَاحِبِهَا طَاعُوتُ؛ (10)

هر پرچمی که قبل از پرچم امام مهدی(عج) فراشته گردد صاحب آن پرچم طغیان‌گر است.

یکی از این روایات به امام رضا(ع) نیز عرضه شده است و آن حضرت ضمن تأیید اصل حدیث، تفسیر راوی را از این حدیث رد کرده‌اند. (11)

حسین بن خالد گفت: به حضرت امام رضا(ع) عرض کردم: عبد الله بن بکیر حدیثی را روایت نموده و آن را تأویل می‌کرد. و من می‌خواهم آن را به شما عرضه دارم. فرمود: حدیث چیست؟ عرض کردم: عبد الله بن بکیر می‌گفت: عبید بن زراره برای من نقل کرد: در ایامی که محمد بن عبد الله پسر امام حسن مجتبی (معروف به محمد نفس زکیه) قیام کرده بود، روزی خدمت حضرت صادق(ع) بودم که یکی از شیعیان به خدمت حضرت رسید عرض کرد: قربانت شوم محمد بن عبد الله قیام کرده و مردم هم دعوت او را برای قیام پذیرفته‌اند. نظر شما درباره قیام با وی چیست؟ فرمود: «تا وقتی که آسمان و زمین آرام است تو نیز آرام باش!» عبد الله بن بکیر می‌گفت: در این صورت مادام که آسمان و زمین آرام است قیامی به وقوع نمی‌پیوندد و بنابراین نه قیامی است و نه قائمی! حضرت رضا(ع) فرمود: جدم حضرت صادق(ع) راست فرمود: و این طور که عبد الله بن بکیر تأویل کرده است نیست. منظور جدم اینست که تا وقتی آسمان از شنیدن صدا و زمین از فرو رفتن با لشکر (سفیانی) آرام است، تو نیز آرام گیر.

اما اوضاع جامعه در دوران مبارک ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا(ع) با دوران این دو امامان متفاوت بود. امامان سابق(ع) در اکثر مواقع به دلیل سعایت افراد مغرض مورد آزار و اذیت خلفا قرار می‌گرفتند و حتی در مواردی به زندان فرستاده می‌شدند و معمولاً شیعیان از ارتباط با امامان(ع) محروم بودند. اما حضرت رضا(ع) به دلیل داشتن عنوان ولایت عهدی خلیفه، دارای قدرتی سیاسی در جامعه بود و شیعیان نیز آزاد بودند و به آسانی محضر امام می‌رسیدند. این قدرت سیاسی باعث گردیده بود تا برخی از شیعیان به این گمان برسند که امام رضا(ع) همان صاحب الامر و مهدی موعود(عج) است.

در روایتی ایوب بن نوح که مردی بسیار پرهیزکار و عابد و از وکلای امام هشتم بود(12) به ایشان عرض می‌کند:

إِنِّي أَرْجُو أَنْ تَكُونَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَأَنْ يَسُوقَهُ اللَّهُ إِلَيْكَ يَغْيِرُ سَيْفِي فَقَدْ بُويعَ لَكَ وَضُرِبَتِ الدَّرَاهِمُ بِاسْمِكَ فَقَالَ مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَأَشِيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَي فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِنَّا خَفِي الْوُلَادَةِ وَالْمَنْشَأِ غَيْرِ خَفِي فِي نَسَبِهِ. (13)

من امیدوارم که شما صاحب الامر باشید، و خدا امر امامت را بدون شمشیر و خونریزی به شما رساند، زیرا برای شما (به ولایت عهدی مأمون) بیعت گرفته شده و به نام شما سکه زده‌اند.

حضرت فرمود: هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبه داشته باشد و با انگشت به سوی اشاره کنند و از او مسأله بپرسند و اموال برایش برند، جز این که یا ترور شود و یا در بستر خود بمیرد (یا با شمشیر کشته شود و یا با زهر) تا زمانی که خدا برای این امر (امامت) کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و محل زندگی او نهان است ولی نسبت و دودمانش نهان نیست.

در این حدیث امام رضا(ع) برای رفع شبهه می‌فرماید امام مهدی(عج) کسی است که پنهانی به دنیا می‌آید و پنهانی زندگی می‌کند. اما من شناخته شده‌ام و با من مکاتبه می‌شود، مورد پرسش واقع می‌شوم. یعنی اینها نشانه این است که من

مهدی موعود(عج) نیستم.

در پایان امام رضا(ع) می‌فرماید: اما پنهان زیستی بدان معنا نیست که کسی نمی‌داند او فرزند کیست. پدر و جدش کیست. جمله آخر ردی بر عقیده اهل سنت است زیرا آنها بر این باورند که پدر و جد مهدی موعود(عج) معلوم نیست. او در آخر الزمان به دنیا می‌آید و از نسل امام حسن مجتبی(ع) است اما معلوم نیست چندمین نسل امام حسن مجتبی(ع) باشد. امام رضا(ع) این باور غلط را رد کرده است و می‌فرماید نَسَبِ امام کاملاً روشن است و چنان که در ادامه خواهد آمد امام هشتم(ع) ایشان را چهارمین نسل خویش معرفی می‌کند.

امام رضا (ع) از پنهان زیستی امام مهدی(عج) با بیان‌های متفاوتی خبر داده‌اند:

الف) غیبت:

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در مورد منجی و موعود اسلام مطرح است بحث غیبت یا زیست پنهانی است. این موضوع که متأسفانه به دلیل فهم ناصحیح اهل تسنن، مورد انکار آنها قرار گرفته است و به تندی با آن برخورد می‌کنند(14) علاوه بر ریشه قرآنی(15) اولین بار توسط پیامبر اسلام(ص) مطرح شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَصِلُ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يُقِيلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ يَمَلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛(16)

جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد که فرمود: مهدی(عج) از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، از نظر قیافه و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است، برای او غیبت و حیرتی است که امتها در آن گمراه شوند، سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

بعد از نبی گرامی اسلام(ص) نیز تمام امامان(17) از غیبت وصی آخر(عج) خبر داده‌اند. امام هشتم(ع) نیز علاوه بر این حدیث در روایت دیگری می‌فرماید:

كَأَيِّ الشَّيْبَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّلَاثَ مِنْ وَلَدِي كَالنَّعَمِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ قُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛(18)

حسن بن علی بن فضال از امام رضا(ع) روایت کند که فرمود: گویا شیعیان را می‌بینم که در فقدان سومین نسل من مانند چهارپایان در طلب چراگاه برآیند اما آن را نیابند، گفتم: ای فرزند رسول خدا! برای چه؟ فرمود: برای آنکه امامشان از آنها نهان شود، گفتم: برای چه؟ فرمود: برای آنکه چون با شمشیر قیام کند بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.

امام هشتم(ع) به دوران سخت بعد از امام حسن عسکری(ع) اشاره کرده و می‌فرماید مردم در آن دوران دچار سرگردانی می‌شوند چون امامشان غایب است. و غیبت به این دلیل است که بیعت طغیان‌گری بر گردن او نباشد.

ب) دیده نشدن:

تعبیر دومی که امام هشتم(ع) برای بیان پنهان زیستی امام موعود(عج) به کار برده‌اند دیده نشدن جسم ایشان است. ربّان بن صلت گوید:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا(ع) يَقُولُ: وَ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ(عج) فَقَالَ: لَا يَرَى جِسْمَهُ وَ لَا يُسَمِّي اسْمَهُ.(19)

شنیدم امام رضا علیه السلام هنگامی که از ایشان در مورد قائم پرسیده شد، می‌فرمود: جسم ایشان دیده نمی‌گردد و نامش برده نمی‌شود.

با توجه به روایات دیگر، معلوم می‌شود منظور از بیان این ویژگی اشاره به ناشناس بودن امام است. یعنی ایشان به عنوان امام در جامعه ظاهر نمی‌شوند و کسی ایشان را به سمت امامت نمی‌بیند. نه این که واقعا جسم ایشان قابل رؤیت نباشد. بنابراین با این نوع روایات نمی‌توان عقیده شیخیه را ثابت کرد. آنان معتقدند امام در دوران غیبت بدن مادی ندارد و با بدن مثالی در عالم هورقلیا زندگی می‌کند و نماینده‌ای با عنوان رکن رابع در زمین دارد.(20)

احمد عابدی از پژوهشگران معاصر در نقد عقیده آنان می‌گوید: تحلیل این بدن هورقلیایی و اعتقاد به حیات امام زمان(عج) با بدن هورقلیایی، در واقع به معنای انکار حیات مادی امام زمان(عج) روی این زمین است؛ زیرا اگر مراد آن است که حضرت مهدی(عج) در عالم مثال و برزخ چه برزخ اول یا برزخ دوم زندگی می‌کند. آن چنان که قبر را آنان از عالم هور قلیا می‌دانند پس آن حضرت حیات با بدن عنصری ندارد و حیات او مثل حیات مردگان، در عالم برزخ است. دلیل عقلی می‌گوید باید غایت و هدف خداوند از آفرینش انسان زمینی، همیشه روی زمین وجود داشته باشد.(21)

از روایات چنین بر می‌آید که مساله وجود همیشگی امام در روی زمین همواره برای شیعیان مورد سؤال بوده است و از امامان این پرسش انجام می‌گرفته است. راویان متعددی هم این پرسش را نزد امام رضا(ع) مطرح کرده‌اند. و امام با صراحت هر چه تمام‌تر با اشاره به «اضطرار به حجت» فرموده‌اند زمین بدون حجت خدا و امام لحظه‌ای هم باقی نمی‌ماند و اهلش را می‌بلعد. سلیمان جعفری (حمیری)(22) یکی از این راویان است و چنین نقل می‌کند:

سَأَلْتُ الرَّضَا(ع) فَقُلْتُ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ فَقَالَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛(23)

از حضرت رضا(ع) پرسیدم: زمین از حجت خالی می‌شود؟ فرمود اگر به قدر يك چشم به هم زدن، زمین از حجت خالی ماند اهل خود را فرو می‌برد.

محمد بن فضیل(24) (فضل)(25) نیز همین پرسش را از امام پرسیده و همین پاسخ را گرفته است.

نکته مهمی که امام هشتم(ع) در این مورد به آن می‌پردازد، رد نقلی است که از این نوع احادیث شده. برخی از راویان از

امامان قبلی(ع) نقل کرده‌اند که تعبیر باقی نماندن زمین یا بلعیدن اهلش، کنایه است و منظور این است که مردم مورد غضب الهی واقع می‌شوند. امام رضا(ع) می‌فرماید چنین تفسیری صحیح نیست و منظور از بین رفتن واقعی زمین است. حسن بن علی و شفاء از بزرگان اصحاب امام رضا(ع)(26) از ایشان می‌پرسد:

هَلْ تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟

امام پاسخ می‌دهند: خیر. عرض می‌کند:

إِنَّا نُرَوِّي أَنَّهَا لَا تَبْقَى إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ

چنین روایت نموده‌اند که باقی نمی‌ماند مگر خدا بر بندگانش خشم گرفته باشد.

امام می‌فرمایند:

لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ؛(27)

خیر نمی‌ماند در این صورت در هم فرو ریزد.

غیر از این راوی سرشناس، راویان دیگری هم این تفسیر را برای امام رضا(ع) نقل کرده‌اند و ایشان ردّ فرموده‌اند. مانند محمد بن فضیل،(28) احمد بن عمر.(29) بنابراین سلامت زمین و اهل آن نشان دهنده وجود همیشگی حجت خدا در روی زمین است و به دلیل غیبت امام نمی‌توان وجود ایشان را انکار کرد.

2. نبستن پیمان با متجاوزان

امام رضا(ع) فرمودند:

لَيْتَلَا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛(30)

اشاره به این نکته که در گردن امام قائم(عج) بیعتی نسبت به طاغوت نیست نشانه و ویژگی دیگری است که ناظر به بیعت امام رضا(ع) با طاغوت زمان خویش است بنابراین امکان ندارد ایشان موعود مورد نظر پیامبر(ص) باشد.

در روایات ما عدم بیعت با سرکشان، یکی از دلیل‌های وقوع غیبت شمرده شده است. خود امام زمان(عج) در توقیعی چنین فرمودند:

وَأَمَّا عَلَةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَأَحَدٍ مِنْ آبَائِي(ع) إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَافِيئَةً زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقٍ.(31)

و اما علت وقوع غیبت، خدای تعالی می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند مپرسید»، بر گردن همه پدران بیعت سرکشان زمانه بود اما من وقتی خروج نمایم بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست.

3. شایعه رحلت

در حدیثی عالم آل محمد(ص) به دو شایعه که در دوران غیبت امام، بین مردم منتشر می‌شود، اشاره می‌فرمایند:

محمد بلخی می‌گوید:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا(ع) يَقُولُ إِنَّكُمْ سَتَبْتَلُونَ بِمَا هُوَ أَشَدُّ وَأَكْبَرُ تَبْتَلُونَ بِالْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالرَّضِيعِ حَتَّى يُقَالَ غَابَ وَ مَاتَ وَ يَقُولُونَ لَا إِمَامَ وَ قَدْ غَابَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) وَ غَابَ وَ غَابَ وَ هَا أَنَا ذَا أُمُوتُ حَتْفَ أَنْفِي؛(32)

شنیدم امام رضا(ع)

” عقیده به آمدن منجی که آمدنش جهان از ظلم و فساد به عدالت و معنویت خواهد رسید، باوری همگانی و فرا دینی و قومی است. دین اسلام نیز تأکید فراوانی بر این عقیده دارد... ”

فرمود: «شما در آتیه نزدیک به چیزی شدیدتر و بزرگتر آزمایش خواهید شد، به طفلی در شکم مادر خود، و کودکی شیرخوار امتحان خواهید شد تا آن که گفته شود از دیده‌ها پنهان شد و مرد، و بگویند: دیگر امامی نیست، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله غایب شد و باز غایب شد و غایب شد (یک بار در غار حرا و یک بار در شعب ابی طالب خانه عبد الله بن ارقم و یک بار هم در غار ثور)، و این هم من که به مرگ خواهم مرد.

شایعه اول آن که: امامی وجود ندارد. امام رضا(ع) پاسخ آن را در روایات بیانگر اضطرار به حجت داده‌اند. امام فرمودند زمین هرگز بدون امام باقی نمی‌ماند و نباید این سخن پذیرفته شود.

شایعه دوم این که: امام از دنیا رفته است. علاوه بر این حدیث در حدیث دیگری نیز امام رضا(ع) به این سخن اشاره کرده‌اند. برادر امام کاظم(ع) نقل می‌کند که امام رضا(ع) فرمودند:

وَ هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَيْبِهِ وَ جَدِّهِ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ يُقَالُ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَيَّ وَادٍ سَلَكَ؛(33)

و اوست دور از مردم و تنها، دور از پدر و جد و صاحب غیبت، مردم درباره او گویند: معلوم نیست مرده یا هلاک شده و به کدام وادی رفته.

اساساً یکی از ویژگی‌های موعود(عج) همین است زیرا وقتی مفضل بن عمر از امام صادق(ع) می‌پرسد: مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ؟ امام(ع) می‌فرماید:

قَالَ إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ قَبِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؛(34)

هنگامی که گردون آن قدر بگردد که بگویند: مرد؟ یا هلاک شد؟ در کدام بیابان یا نهاد؟

با توجه به این پیش بینی امامان همواره به شیعیان هشدار می‌دادند که این سخن و شایعه را از کسی نپذیرند و باور نکنند که

گروهی از دفن امام می‌آیند و دستشان از خاک قبر او خاکی شده است. امام صادق(ع) به حازم بن حبیب می‌فرماید:  
قَمَنْ جَاءَكَ يَقُولُ إِنَّهُ نَقَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ قَبْرِهِ فَلَا تُصَدِّقْهُ؛(35)

پس اگر کسی نزد تو آمد بگوید که دستش را از خاک قبر او پاک داده است تصدیقش مکن.

جالب است بدانیم گروهی از واقفه برای اثبات ادعای خود مبنی بر زنده بودن امام موسی کاظم(ع) این نوع احادیث را بر ایشان حمل می‌کردند و یکی از اقدامات امام رضا(ع) رفع این شبهه بود.(36)

نکته مهم: مسأله بسیار مهمی که امام رضا(ع) در موضوع غیبت در این حدیث اشاره فرموده و کمک مؤثری برای پذیرش غیبت به شمار می‌رود، پیشینه غیبت است امام می‌فرماید پیامبر اسلام(ص) نیز بارها غیبت کرده‌اند و غیبت تنها برای امام عصر(عج) اتفاق نیفتاده است که امری بی‌سابقه باشد و پذیرش آن سخت گردد. با آن که همه امامان(ع) به امر غیبت اهتمام فراوان داشته‌اند اما در میان امامان(ع) تنها امام هشتم(ع) است که به پیشینه غیبت اشاره می‌نماید پیشینه‌ای که مورد توجه خود امام زمان(عج) است و شیخ صدوق را مأمور نوشتن کتابی با همین موضوع می‌نماید و شیخ صدوق برای امتثال این امر، کتاب کمال الدین و تمام النعمه را به رشته تحریر در می‌آورد. شیخ صدوق از مولایمان امام عصر(عج) چنین نقل می‌کند:

أَمْرُكَ أَنْ تُصَيِّفَ وَ لَكِنْ صَيِّفِ الْآنَ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ وَ اذْكُرْ فِيهِ غَيْبَاتِ الْأَنْبِيَاءِ؛(37)

اکنون تو را امر می‌کنم که در باره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیاء(ع) را در آن بازگوئی.

4. جوانی و قوت بدن:

چنان که گفته شد ولایت عهدی و موقعیت سیاسی خاص امام رضا(ع) باعث شد تا اطرافیان و اصحاب امام گمان کنند ایشان امامی است که قرار است زمین را پر از عدل و داد نماید. امام برای رفع این شبهه ویژگی‌هایی از امام مهدی(عج) نقل می‌فرماید تا معلوم گردد ایشان قائم موعود(عج) نیستند.

در روایتی از ربان بن صلت که راوی ثقه و مورد اطمینان است(38) و امام رضا(ع) به ایشان لباسی را هدیه کرده‌اند(39) چنین نقل شده است:

قُلْتُ لِلرِّضَا(ع) أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَ لَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلُؤَهَا عَدَلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ كَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَ إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا؛(40)

به امام رضا(ع) گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم اما آن کسی که زمین را از عدل سرشار سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی، و قائم کسی است که در سن پیران و چهره جوانان قیام کند و نیرومند باشد به حدی که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوهها فریاد برآورد صخره‌های آن فرو پاشد.

وقتی عبدالسلام هروی از راویان معتبر و دوست‌داران سر سخت اهل بیت(ع)(41) از امام هشتم در مورد نشانه‌های قائم آل محمد(ص) پرسش می‌کند، امام به همین پاسخ اشاره می‌فرماید و اضافه می‌نماید که این جوانی برای موعود(عج) جاودانی است. ابوصلت می‌گوید:

قُلْتُ لِلرِّضَا(ع) مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ قَالَ عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ يَمُرُّرُ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ؛(42)

به امام رضا(ع) گفتم: علامت ظهور قائم شما چیست؟ فرمود: نشانه‌اش این است که در سن پیری است ولی قیافه‌اش جوان است به گونه‌ای که بیننده می‌پندارد چهل ساله و یا کمتر از آن است و نشانه دیگرش آن است که به گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه اجلس فرا رسد.

5. میراث‌دار پیامبران(ع):

حضرت ثامن الحجج(ع) نشانه دیگری برای شناخت امام موعود(عج) بیان می‌دارند:

يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ(ع)؛(43)

عصای موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام با اوست.

همراه داشتن آثار پیامبران(ع) یکی از روشن‌ترین راه‌ها برای شناختن امام مهدی(عج) از مدعیان دروغین است. سید حسنی بعد از دیدار با امام عصر(عج) از ایشان درخواست می‌نماید برای اثبات امامت خویش میراث پیامبر(ص) را نشان دهد.(44)

در روایات از همراه داشتن زره و عمامه و سلاح و پرچم پیامبر اسلام(ص)(45) و پیراهن حضرت آدم و ابراهیم و یوسف(ع) و سنگ حضرت موسی(ع)(46) نیز سخن به میان آمده است.

6. چهارمین نسل امام رضا(ع):

ذَٰكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُغَيِّبُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يَظْهَرُهُ قِيمَلًا يَه الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛(47)

او چهارمین نسل من است، خداوند او را در پره خود نهان سازد سپس او را ظاهر کند و به واسطه او زمین را از عدل و داد لبریز سازد همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.

با این بیان، امام رضا(ع) شخص امام مهدی(عج) را برای شیعیان معرفی می‌کند و روشن می‌نماید که موعود پیامبر اسلام(ص) بر خلاف ادعای اهل تسنن فردی کاملاً شناخته شده و معلوم است. و نیز بر خلاف شبهه پراکنی‌های دشمنان تشیع(48) هرگز هویت مهدی(عج) نزد اهل بیت(ع) مجهول نبوده است.

به امید روزی که یوسف زهرا با تمام این نشانه‌ها بر همه مردم آشکار گردد.

- 1- عضو هیات علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).
- 2- کمال الدین و تمام النعمة، ج1، ص280، ح27 (ناشر: اسلامیة، مکان چاپ تهران، سال چاپ 1395 ق، نوبت چاپ دوم، دو جلدی).
- 3- کمال الدین و تمام النعمة، ج1، ص286، ح1.
- 4- ر. ک. معجم احادیث الامام المهدي (عج)، ج5، از ص441 تا ص486. (چاپ سال 1428ق، هشت جلدی).
- 5- کمال الدین و تمام النعمة، ج2، ص: 372 ح6: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ دَعِيْلَ بْنَ عَلِيِّ الْخَزَاعِيِّ يَقُولُ... فَقَالَ [الرضا(ع)] يَا دَعِيْلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَبَعْدَ عَلِيِّ ابْنُهُ الْحَسَنُ.
- 6- کمال الدین و تمام النعمة، ج2، ص: 372 ح6.
- 7- کمال الدین و تمام النعمة، ج2، ص: 374 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ دَخَلَ دَعِيْلُ بْنُ عَلِيِّ الْخَزَاعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا(ع) يَمْرُؤًا.
- 8- کافی، ج8، ص310، ح483: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(ع) يَقُولُ خَمْسُ عَلَمَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْحَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيُّ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَمَاتِ أ نَخْرُجُ مَعَهُ قَالَ لَأ. (ناشر اسلامیة، مکان چاپ تهران، سال چاپ 1362 ش، نوبت چاپ: دوم، هشت جلدی).
- 9- کافی، ج1، ص356، ح16: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجَارُودِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ بْنِ دَآبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ(ع) أَنَّ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ(ع) دَخَلَ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ(ع) وَ مَعَهُ كُتُبٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَدْعُوْنَهُ فِيهَا إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يَخِيْرُوْنَهُ بِأَحْتِمَائِهِمْ وَ بِأَمْرُوْنَهُ بِالْخُرُوجِ.
- 10- غيبة نعماني، ص114، ح9: وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رِبَاحِ الزُّهْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عِيْسَى الْحُسَيْنِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَيْنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ(ع) أَنَّهُ قَالَ:
- 11- أمالي شيخ طوسي ص412، ح926: أخبرنا محمد بن محمد (شيخ مفيد) قال أخبرني الشريف أبو محمد أحمد بن محمد بن عيسى العلوي الزاهد، قال حدثنا حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي، قال حدثنا أبو عمرو محمد بن عمر الكشي، قال حدثنا حمدويه بن نصر، عن محمد ابن عيسى، عن الحسين بن خالد قال قلت لأبي الحسن الرضا(ع) إنَّ عبدَ اللهَ بنَ بكيرٍ يروِي حديثًا و يتأولُهُ و أنا أحبُّ أن أعرضهُ عليك فقال ما ذاك الحديث قلت قال ابن بكير حدثني عبيد بن زرارة قال كنت عند أبي عبد الله(ع) أيام خرج محمد بن عبد الله بن الحسن إذ دخل عليه رجل من أصحابنا فقال له جعلت فداك إنَّ محمد بن عبد الله قد خرج و أجابه الناس فما تقول في الخروج معه فقال أبو عبد الله(ع) اسكن ما سكنت السماء و الأرض فقال عبد الله بن بكير فإذا كان الأمر هكذا فلم يكن خروج ما سكنت السماء و الأرض فما من قائم و ما من خروج فقال أبو الحسن صدق أبو عبد الله(ع) و ليس الأمر على ما تأولهُ ابن بكير إنما قال أبو عبد الله(ع) اسكن ما سكنت السماء من النِّداءِ و الأرض من الخسفِ بالجيش.
- 12- رجال نجاشي ص102.
- 13- کافی، ج1، ص342، ح25: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا(ع):
- 14- ابن قيم، المنار المنيف، ص153.
- 15- سورة ملك آية 30، سورة حج آية 45، سورة لقمان آية 20.
- 16- کمال الدین و تمام النعمة، ج1، ص286، ح1: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَائِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجَعْفِيِّ عَنْ جَائِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:
- 17- ر. ک. کمال الدین و تمام النعمة، باب 23 به بعد اخبار امامان(ع) از وقوع غيبت.
- 18- کمال الدین و تمام النعمة، ج2، ص480، ح4: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا(ع) أَنَّهُ قَالَ:
- 19- کافی، ج1، ص333، ح3: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ:
- 20- «جوامع الكلم» رساله رشتیه، قسمت3، ص100؛ نقل از فصلنامه تخصصی انتظار، ش2، ص302.
- 21- مقاله «مهدویت و فرقه‌های انحرافی»، فصلنامه تخصص انتظار، زمستان1380، ش2، ص304. (با کمی تصرف).
- 22- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج1، ص272، ح4 (انتشارات جهان، 1378 ق، دو جلد در یک جلد).
- 23- محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، (انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، 1404 هجری قمری، تک جلدی) ص489، ح8، کمال الدین و تمام النعمة، ج1، ص204، عیون اخبار الرضا(ع)، ج1، ص272 و علل الشرائع، ج1، ص198: أَبِي عَن سَعْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الدِّيَنَوِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

- 24 - بصائر الدرجات، ص 488، ج 4.
- 25 - عيون أخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 272، ج 1.
- 26 - رجال نجاشي، ص 39.
- 27 - بصائر الدرجات، ص 489، ج 7 و عيون أخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 272، ج 3 و كافي، ج 1، ص 179، ج 13: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع).
- 28 - كافي، ج 1، ص 179، ج 11 و عيون أخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 272، ج 2.
- 29 - بصائر الدرجات ص 489 ج 6 و عيون أخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 272، ج 2.
- 30 - كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 480، ج 4: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا (ع) أَنَّهُ قَالَ:
- 31 - كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 485، ج 4: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِصَامِ الْكَلْبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعَمَرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَى قَوَدَتِ فِي التَّوْقِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (عج)...
- 32 - غيبات نعماني، ص 180، ج 27: مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي يَعْقُوبَ الْبَلْخِيِّ قَالَ:
- 33 - كافي، ج 1، ص 322، ج 14: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعًا عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى بْنِ النُّعْمَانِ الصَّرْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ جَعْفَرٍ يُحَدِّثُ الْحَسَنَ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ: ... و الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 276 (شيخ مفيد، ناشر: كنگره شيخ مفيد، مكان چاپ: قم، سال چاپ: 1413 ق، نوبت چاپ: اول)
- 34 - غيبات نعماني، ص 156، ج 19: وَ يَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع):
- 35 - غيبات نعماني، ص 172، ج 6 وَ يَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ حَازِمِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)... ثُمَّ قَالَ لِي يَا حَازِمُ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ يَطْهَرُ فِي الثَّانِيَةِ.
- 36 - رجال كشي، ص 475، ج 902.
- 37 - كمال الدين و تمام النعمة، ج 1، ص 3، مقدمة المؤلف.
- 38 - رجال كشي، ص 165.
- 39 - رجال كشي، ص 548.
- 40 - كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، ج 2، ص: 376 ج 7: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ:
- 41 - رجال كشي، ص 616.
- 42 - كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 652، ج 12: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ:
- 43 - كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، ج 2، ص: 376 ج 7: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ:
- 44 - بحار الأنوار، ج 53، ص 15.
- 45 - كافي، ج 1، ص 232، ج 1 و الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 187.
- 46 - كافي، ج 1، ص 231، ج 3.
- 47 - كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، ج 2، ص: 376 ج 7: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ:
- 48 - احمد الكاتب، الأمام المهدي حقيقة تاريخية أم فرضية فلسفية.

منبع: آينده روشن